



درباره مکان های تأمین آب شُرب حرم رضوی که اطلاعاتی درباره آن‌ها نداریم

سقاخانه‌های فراموش شده

مرضیه ترابی| سقاخانه‌ها در تاریخ حرم، قدمت زیادی دارند. امروزه فقط یکی از آن سقاخانه‌های قدیمی، یعنی سقاخانه مشهور به «اسماعیل طلایی، باقی مانده است، اما دست کم تا اواخر دوره قاجار، حرم رضوی سقاخانه‌های متعددی داشته است که برای تأمین آب شرب زائران بنا شده بودند و تأمین هزینه‌های مربوط به آن‌ها از طریق موقوفه‌ها انجام می‌شده است. این سقاخانه‌ها و محل استقرار آن‌ها، در دوره‌های مختلف تغییر می‌کرد و به همین دلیل، یافتن محل قرارگرفتن سقاخانه‌های قدیمی و فراموش‌شده حرم‌مطهر امام‌رضا^(ع) کاری ساده نیست.
باین حال، در اسناد آستان قدس رضوی، نام و نشان برخی از این سقاخانه‌ها وجود دارد و حتی می‌توان بعضی از آن‌ها را با اسم دوران فعال‌بودنشان شناخت. در این نوشتار مختصر، بر آن هستیم که با هم سفری تاریخی برای یافتن سقاخانه‌های فراموش شده داشته باشیم؛ سفری که می‌تواند برای شما خواننده گرامی، جذابیت‌ها و اطلاعات کمتر شنیده‌شده بسیاری داشته باشد.

آغاز سقاخانه سازی در حرم

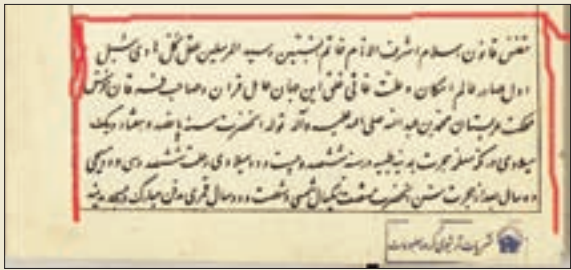
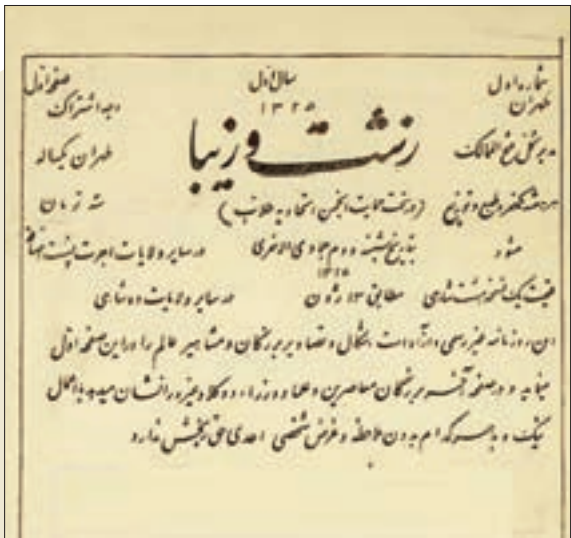
ایجاد سقاخانه، به‌معنای مکانی که آب شُرب زائران را تأمین می‌کرد، احتمالاً به نخستین دوره‌های ساخت حرم‌مطهر امام‌رضا^(ع)، یعنی حدود ۱۲۰۰ سال قبل بازمی‌گردد. گزارش‌های متعددی درباره تلاش امرا و دولتمردان، طی قرون چهاروپنج‌قمری برای تأمین آب شرب موردنیاز مشهد از طریق تقویت و ترمیم قنات مشهور سناباد -که تا مدت‌ها تنها منبع تهیه و تأمین آب شرب مشهد بود- وجود دارد. ابوالفضل بیهقی در کتاب تاریخش، ضمن برشمردن خدمات ابوالحسن عراقی دبیر (درگذشته سال ۴۲۹قمری)، از دیوان سالاران دربار مسعود غزنوی، با اشاره به ساخت مسجد بالاسر توسط وی، می‌نویسد: «[چانهز وی را] آنجا دفن کردند که مال این کار را در حیات خود بداده بود و کاریز مشهد را که خشک بود، باز روان کرده و کاروان‌سرای برآورده و دیهیی مسئول سبک خراج بر کاروان‌سرا و کاریز وقف کرده [بود].» به احتمال زیاد، منظور از کاریز خشک‌شده در متن بیهقی، همان قنات قدیمی سناباد بوده است و طبعاً بخشی از آنچه وقف قنات شده بود، به استفاده از آن و نیز، رساندن آب موردنیاز به زائران حرم اختصاص داشت، البته دراین‌باره سند قابل اراهه‌ای نداریم، اما می‌توان چنین فرض کرد که در آن دوران، شغل متداول «سقاچی» برای آب‌رسانی به مردم رایج بود و دست کم هزینه بخشی از این‌ساقیت، از محل موقوفاتی مانند موقوفه‌ابوالحسن عراقی دبیر تأمین می‌شد. برای استفاده بهینه از آب شرب و نیز بهره‌مندی از آب مناسب‌برای وضو، به‌تدریج سنگاب‌هایی در حرم رضوی نصب شد که این سنگاب‌ها را باید نخستین سقاخانه‌های فعال در تاریخ حرم رضوی بدانیم. اطلاعات ما درباره نصب نخستین سنگاب در حرم رضوی چیزی نزدیک به صفر است، اما وجود سنگاب خوارزمشاهی در موزه آستان قدس رضوی که ظاهراً قدیمی‌ترین سنگاب شناخته‌شده در حرم امام‌رضا^(ع) هم محسوب می‌شود، نشان می‌دهد که نصب سنگاب‌ها در حرم، باید قدمتی بسیار طولانی داشته باشد. این سنگاب که حدوداً چند سال قبل از حمله مغول در مشهد ساخته و نصب شد، وزنی حدود ۱۷۰۰ کیلوگرم دارد و ارتفاع آن ۱۱۰ سانتی‌متر است. روی سنگاب نام‌محمدبن حیدر موسوی به‌عنوان سفارش‌دهنده دیده می‌شود که ظاهراً آن را در سال ۵۹۷قمری برای نصب در حرم و استفاده زوار سفارش داده است و بعدها، مرمت‌ها و کتیبه‌های دیگری را به متن کتیبه اصلی اضافه کرده‌اند. سنگاب خوارزمشاهی نشان می‌دهد که هنر ساخت سنگاب و استفاده از آن، در مشهد بسیار قدیمی‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. این دیدگاه زمانی تقویت می‌شود که آن‌را در کنار شواهد تاریخی مربوط به ساخت دیزی‌های سنگی در نوغان قدیم و سپس، شهر مشهد قرار دهیم. این احتمال نسبتاً قوی است که در روزگار قدیم، چند سنگاب مانند سنگاب خوارزمشاهی در حرم مطهر نصب بود و کار سقاخانه‌های دوره‌های بعد را انجام می‌داد. از آنجا که از آب این سنگاب‌ها برای طهارت نیز استفاده می‌کردند، معمولاً ابعاد آن‌ها از ابعادی که در فقه برای ظرف آب گر در نظر می‌گیرند، کمتر نبود، هر چند که امروزه، نشانه‌های مربوط به چنین هنری در دوره‌های اولیه شکل‌گرفتن حرم‌مطهر ثامن‌الحجج^(ع) کمتر در دسترس است.

نخستین سقاخانه‌های رسمی

گفتیم که سنگاب‌های نصب‌شده در حرم رضوی را می‌توان نخستین گام‌ها برای شکل‌گرفتن سقاخانه‌ها در این مکان مقدس دانست. باین حال، سقاخانه در مفهوم امروزی آن، فقط نیازمند سنگاب نیست و باید از مکانی ویژه با ساختارهای فنی و ظاهری مناسب برخوردار باشد. احتمالاً قدیمی‌ترین جایی که با این مشخصات می‌شناسیم، فضایی میان راهرودارالسباده و ایوان اصلی صحن عتیق -مشهور به ایوان طلای نادری- است که زیر‌گنبدی موسوم‌به‌گنبد، امیرعلیشیر نوابی، قرار داشت و سنگاب خوارزمشاهی را هم در آنجا نصب کرده بودند. این مکان در اسناد حرم‌مطهر با عنوان سقاخانه شناخته می‌شد و با توجه به نام، موقعیت و تاریخچه سنگاب، می‌توان قدمت حدودی آن را مربوط به دوره ایلخانی یا تیموری دانست. این سقاخانه تا دوره قاجار برقرار بود و از آن استفاده می‌شد و برخی سفرنامه‌نویسان این عصر مانند افضل‌الملک به وجود آن اشاره کرده‌اند. قرارگرفتن این سقاخانه در محیطی مسقف نیز جالب توجه و احتمالاً برای رعایت حال زائران در روزهای سرد سال یا زمان‌هایی پرتردد و شلوغ حرم‌مطهر، مانند شب‌های قدر، در ماه مبارک رمضان و مانند آن بوده است. نکته مهم اینکه آب این سقاخانه‌ها از طریق مشک‌هایی -یا به‌قول مشهدی‌ها خبک‌هایی- تأمین می‌شد که توسط سقاها از قنات‌های معتبر و معمور مشهد به حرم‌مطهر حمل می‌کردند. در دوره افشاریه، با ساخته‌شدن سقاخانه اسماعیل طلایی در صحن عتیق و با وجود نهر نادری که به‌نظر می‌رسید باید یگانه منبع تأمین آب شرب سقاخانه‌ها باشد، کار فعالیت سقاها همچنان ادامه یافت و آن‌ها، مطابق وقف‌نامه‌هایی که برای کار سقاچی موجب در نظر گرفته بود، موظف بودند آب موردنیاز دست کم دو سقاخانه فعال در حرم رضوی را از بهترین و باکیفیت‌ترین آب‌های شهر مشهد تأمین کنند تا بتوانند مواجب‌بهتری بگیرند. شاید بد نباشد بدانید در برخی اسناد تاریخی، از سقاخانه اسماعیل طلایی با نام «سقاخانه سلطانی، هم یاد شده است. احتمالاً با ساخته‌شدن همین سقاخانه، الگوی چنین بنایی در مشهد تغییر کرد و از آن به بعد، سقاخانه‌ها در واقع سنگاب‌هایی بود که بر فرازشان، به‌اصطلاح «کلاه‌فرنگی» می‌ساختند. نکته دیگری که باید در این مجال به آن اشاره کنیم، آن است که افزون بر سقاخانه‌های مشهور داخل حرم رضوی، در اطراف این مکان مقدس به‌ویژه در بازار نیز، سقاخانه‌های وقت‌ی با شکل‌وشمایل ویژه خودشان وجود داشت که زائران و مجاوران از آن‌ها استفاده می‌کردند. در برخی از این سقاخانه‌های کوچک، به‌جای سنگاب که هزینه ساخت و نصب آن نسبتاً زیاد بود، از خمر یا کوزه‌های بزرگ استفاده می‌کردند. در این حالت، آب موجود در سقاخانه صرفاً کاربرد شُرب داشت و دیگر از آن برای وضو استفاده نمی‌شد.

یک نمونه فراموش شده

شاید در میان سقاخانه‌های فراموش‌شده حرم رضوی، سقاخانه مؤتمن السلطنه بیش از دیگر سقاخانه‌ها به چشم بیاید. علتش هم این است که این سقاخانه تا سال ۱۳۰۷ خورشیدی برقرار بود و نهایتاً با دستور محمدولی اسدی تخریب شد، اما هم عکس‌هایی از سقاخانه مؤتمن السلطنه در دسترس است و هم اصل سنگاب آن، به‌دلیل موقوفه‌بودن، در وسط حوض صحن نو-صحن آزادی امروزی- باقی است، هر چند که خیلی از زائران و حتی مجاوران، اطلاعی درباره آن ندارند و بی‌تفاوت از کنارش رد می‌شوند. بانی این سقاخانه فراموش‌شده، حاجی میرزا محمدرضا مستشارالملک سبزواری بود که بعدها از سوی ناصرالدین‌شاه به «مؤتمن السلطنه» مشهور شد. مؤتمن السلطنه، علاوه بر سقاخانه صحن نو، بانی مسجدو آب‌انبار «چهل‌پایه» در بازار قدیم مشهد هم هست که خوشبختانه از گزند تخریب مصون مانده و هنوز برقرار است، هر چند که کسی نمی‌تواند از آن بازدید کند! افزون بر این، مؤتمن السلطنه، مدرسه «ملاتاج» را در شمال صحن عتیق و پشت مکان فعلی ایوان عباسی، مرمت و برای آن موقوفاتی تعیین کرد. به همین دلیل، این مدرسه قدیمی را با نام مدرسه «مستشار» می‌شناختند که بعدها و در جریان طرح‌های توسعه اطراف حرم رضوی تخریب شد. تاریخ ساخت سقاخانه مؤتمن السلطنه دقیقاً معلوم نیست، اما از آنجا که وی بین سال‌های ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۱ قمری سمت پیشکاری امور مالی خراسان را برعهده داشت، احتمالاً ساخت بنای سقاخانه صحن نو، در همین سال‌ها انجام‌گرفته و به پایان رسیده است. این سقاخانه، از نظر شکل ظاهری، شبیه به سقاخانه اسماعیل طلایی بود، سنگابی در وسط قرار داشت و بر فراز آن «کلاه‌فرنگی» ساخته بودند. طبق آنچه در عکس‌های موجود از سقاخانه دیده می‌شود، ظاهراً نهری کوچک و منشعب از نهر نادری -از قسمت بست پایین‌خیابان و از میان دروازه مشهور به تلگراف‌خانه- به‌سمت سقاخانه کشیده شده بود. اینکه آیا از آب این نهر برای پرکردن سنگاب سقاخانه استفاده می‌کردند یا صرفاً جنبه فضا‌سازی و ایجاد زیبایی ظاهری داشت، دقیقاً مشخص نیست. چون مطابق رسم آن دوران، معمولاً آب موردنیاز سقاخانه را از قنات‌هایی که آب باکیفیت داشت تأمین می‌کردند و البته، آب نهر نادری، آن هم در خروجی پایین‌خیابان، از کیفیت چندانی برخوردار نبود. اینکه چرا سقاخانه مؤتمن السلطنه تخریب شد و به تاریخ پیوست، مشخص نیست، آیا چنان‌که برخی معتقدند، محمدولی اسدی به‌دنبال زدودن آثار دوره قاجاریه بود؟ اگر چنین باشد، باید همه صحن نو را خراب می‌کرد و دوباره می‌ساخت؛ به‌نظر می‌رسد این مسئله ربطی به ماجرای زدودن آثار دوره قاجار نداشته و صرفاً به سلیقه متولی وقت مربوط است. علاوه بر سقاخانه مؤتمن السلطنه، دست کم یک سقاخانه دیگر نیز در دوره قاجار ساخته شد که آن را با نام سقاخانه «عمارت» در اسناد می‌شناسیم که فقط گزارشی درباره تعمیر گنبد و تأمین حقوق سقا و فراش آن، مربوط به سال ۱۲۷۳ قمری موجود است و اطلاعی درباره مکان نصب آن نداریم.



پیامبر در نخستین شماره روزنامه «زشت و زیبا»

ایات| توصیف پیامبر بزرگ اسلام در نخستین شماره روزنامه «زشت و زیبا، با تاریخ شنبه ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ برابر با ۲۱ تیر۱۲۸۶ چاپ شده است. این روزنامه که از همین تاریخ و هم‌زمان با مشروطه در تهران توسط فتح‌الممالک با چاپ‌سنگی منتشر می‌شود، خودش رایک روزنامه غیررسمی و آزاد معرفی می‌کند که بناست به‌صورت هفتگی منتشر شود. در صفحه اول این نشریه که مطابق با ۱۳ ژوئیه۱۹۰۷ نخستین بار در تهران منتشر شده، وعده داده شده است که «اشکال و تصاویر بزرگان و مشاهیر عالم در صفحه اول، بنمایاند و در صفحه آخر نیز «بزرگان معاصران و علما، وزرا، وكلا...» را نشان دهد، همراه با «توصیف نیک و بد آن‌ها، از همین روی است که برای نخستین شماره‌اش، تصویری را از پیامبر بزرگ اسلام انتخاب می‌شود و ذیل آن، ایشان را معرفی می‌کند. وجه اشتراک سالانه روزنامه در تهران سی قران است و در سایر شهرها به اضافه اجرت پست آئونه شده و به فروش می‌رسد.

این نشریه در شماره دوم و سوم خود نیز به‌سراغ پیامبران

سند
نوشت



گذری بر تاریخ چند در نقره در حرم مطهر رضوی

سیمرخان قاجاری حرم



در نقره جواهرشان قاجاری

کمال سیستانی| رواج نصب درهای نقره در حرم بیشتر به عهد‌داری قجرها برمی‌گردد. برای نمونه برابر آنچه مؤتمن السلطنه درباره در نقره صحن کهنه می‌نویسد: این در که به کفشداری بزرگ مفتوح است، در سال ۱۳۲۳ قمری وقتی مرحوم حاج‌میرزا کاظم آقا مجتهد تبریزی، داماد ناصرالدین‌شاه متولی آستان قدس بود، نصب شد. در آن روزگار من سبزه‌ساله‌ای بودم در رکاب پدر. خاطرم هست در یکی از ایامی که شاه به مشهد مشرف شده بودند، هر روز دو مرتبه بی‌نوکر و خدم به زیارت حرم امام می‌شنافتند و در کفشداری بزرگ صحن کهنه روزی مشغول جفت‌کردن کفش زوار می‌شدند که یک روز تصمیم گرفتند در آن کفشداری را نقره کنند.

دو در نقره دیگر هم هستند که گویا اهدایی همسران این سلطان صاحبقران قاجاری است. در شرح داستان نخستین این درها آمده است: انیس‌الدوله وقتی به سال ۱۲۸۴ قمری به پابوسی آستان مقدس حضرتش مشرف شده، دستور داده تا دری که از دارالسباده به مسجد گوهرشاد باز می‌شود را نقره و بر روی ترنجی‌های آن آیات قرآن مجید و اخبار معتبره نقش کنند. بر روی این در همچنین ۲۳ بیت شعر حکاکی شده که مطلع ابیات آغازین آن چنین است: نور حق، طور تجلی، پور موسی شاه طوس

شیل زهر، سبط پیغمبر، سلیل حیدرا
مظهر یزدان، خداوند قضا، فرمان رضا
کاستان عایش از عرش اعظم برترا
علت ایجاد عرش و کرسی و لوح و قلم
باعث تکوین خاک و آب و باد و آذرا... .

می‌گویند انیس‌الدوله برای حفاظت و نظافت این در، در آن روزگار نایب‌الخدمه‌ای تعیین می‌کند و ثلث طلای بازار زرگران مشهد را نیز خریده، وقف می‌کند و تولیت آن را به آستان قدس می‌دهد. پس از انیس‌الدوله گویا بانو امین‌اقدس نیز در یک سفر زیارتی دیگری که به سال ۱۳۰۷ قمری توفیقش را یافته است، تصمیم می‌گیرد دری را نقره کند که قرعه به‌نام دری می‌افتد که از دارالسباده به سقاخانه باز می‌شده است. روی این در که ارتفاع آن سه متر و عرض آن بیش از دو متر است، حدیث «انا مدینه‌العلم و علی باب‌ها» نقش خورده است و روی کتیبه طلایی‌اش این ابیات به یادگار مانده است:

بدرگاه رضا^(ع) در دولت شه ناصرالدین
کرد این در را مهین بانوی عظمی نقره‌آذین
بهر تاریخش یکی آمد سروش از عرش و گفتا
از امین‌اقدس این درب مقدس یافت آیین

یک در نقره هم در کفشداری صحن کهنه وجود دارد که ارتفاع آن دومتروهفتاد و عرض آن یک‌متروهفتاد سانتی‌متر است که گویا یادگار محمدهاش قاجار است. در شرح احوال این در آورده‌اند که: در سال ۱۲۵۲ قمری به‌دستور حاج‌موسی‌خان متولی‌باشی آستانه‌ساخته شده و قصیده‌ای بر آن می‌نگارند. ناگفته‌نماند که بیشتر درهای نقره با بیت‌هایی آذین‌شده‌اند که یکی از زیباترین آن‌ها شعر نقش خورده بر دری بوده که از ایوان طلای صحن کهنه به سقاخانه باز می‌شده است: قدسیان بهر سلامش قافله در کاروان
عرشیان بهر طوافش کاروان در کاروان
بار بندند هر دم جانب ارض و سما
بال بگشایند هر گبر مکان و لامکان

جانمایی بقیه درهای نقره حرم به این ترتیب است: در نقره بین دارالحفاظ و دارالسباده، در نقره بین دارالحفاظ و رواق راهرو کشیک‌خانه، در نقره بین ایوان طلای صحن کهنه و قرآن‌خانه مبارکه، در نقره بین ایوان طلای صحن کهنه و توحیدخانه، در نقره توحیدخانه به طرف گنبد... .وردی‌خان، در نقره مفتوح از دارالسباده به راهرو دارالسعاده، در نقره دارالسعاده به ایوان طلای صحن نو، در بزرگ نقره از دارالسعاده به دارالسرور، در نقره رواق دارالسرور به راهرو کشیک‌خانه، در نقره صحن کهنه به کفشداری کوچک و در نقره صحن نو به کفشداری قاینی‌ها.



کشف جنازه

روز جمعه در خیابان خواجه‌ربیع نزدیک محله زابلی‌ها زنی که برای خرید رفته بود، جنازه طفلی را مشاهده می‌کند که فقط سر و سینه و یک دست از او باقی مانده است و با حالتی وحشتناک بازگشت می‌کند. یکی از کارگران روزنامه به حکم انجام وظیفه (نوعی کسب اطلاع کرده که لازمه وابستگی مطبوعات است) فوراً به کلانتری و پاسبان آگاهی می‌دهد. دو مأمور به محل وقوع حادثه رفته و پس از تحقیقات اظهار عقیده می‌کنند که این جنازه از قبرستان بوده و به‌وسیله جانوری به این محل منتقل شده است. اما کارگر روزنامه به دستور سرکلانتری تا چهار بعدازظهر در توقیف باقی بوده است که باید دکتر قانونی و نماینده دادگاه جنازه را معاینه کنند.

۱۲ اردیبهشت۱۳۲۶- روزنامه آفتاب شرق